

بسم

دریچه‌ای به سوی خیال

سروده‌های عزیزاله سلطان زاده

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه	: سلطانزاده، عبدالله، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: دریچه‌ای سوی (بال) / رودی عزیزاله سلطانزاده.
مشخصات نشر	: اصفهان : فرهنگستان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۸۰ ص: ۲۲×۲۲، م.
شابک	: 978-964-188-214-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: PIR ۸۰۹۸/د ۶۲۴۲۴ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	: ۸۱۶/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۷۹۳۱۸



فخانت
نشر مکتوب

دریچہ ای به خیر

ناشر: انتشارات فرهنگ آدم

شاعر: عزیز ا. سلطان زاده

تصویرگر و صفحہ آرا: الہام حبیب پر

حروف نگار: فہیمہ خوارزمی

مدیر تولید: معصومہ جمالی مہر

لیتوگرافی، چاپ: آرمان | صحافی: دی

شمارگان: ۱۰۰۰ | چاپ اول: ۱۳۹۳ | قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۵-۲۱۴-۱۸۸-۹۶۴-۹۷۸

صفہان - خیابان ہشت بہشت شرقی - خیابان لاہور - خیابان بلال شرقی
بیان شہید امینی - بن بست شہید شفیعی - بلاک ۸۱

ن: ۰۳۱۱-۲۳-۱۳۱۱-۲۳-۲۳۵۶

براد: ۰۹۱۳۳۱۵۴۱۸۵ - ۰۹۱۳۳۱۰۶۸۶۴

مقدمه

نام خداوند جان و خرد

کلام آریات برآزنده تر از سخن فردوسی یافتیم که مطلب را بدان آغاز کنیم. فرزانه‌ی طوس یادآور می‌شود: کز این بر اندیشه پر نگذرد. ادبیات ایران ما دریای خروشان نامتناهی است که هرچه در آن سیر می‌کنیم به کرانه‌اش نمی‌رسیم. هر کس که بخواهیم فراز از انتظار به دست می‌آوریم. هنرمند ادیب و دوست‌دار ادب و هنر در هر گوشه‌اش نشسته است، خود را در این بی‌کرانه می‌بیند و هرچه را اراده کند در کنار خود می‌یابد. آسمان پر ستاره، کهکشان بی‌لامتناهی، پرواز در آسمان‌ها و... عالمی را که می‌خواهد در تخیلش می‌آفریند یا در آفریده‌های دیگران سیر کند تا پیشتر را در همان دنیای ایده‌آلی که رسیدن بدان تنها از این طریق ممکن است، احساس کند. بزرگوارتر از آنست که خداوند به خلیفه‌ی خود، در زمین بخشیده است. اگر چنین نبود تحمل شاید زندگی امکان ناپذیر می‌بود.

www.ketab.ir

آری ذهن خلاق هر چه می‌خواهد می‌آفریند. معایب موجود را برطرف می‌کند و سرانجام در دنیای دل
خواهی که ساخته و پرداخته است، زندگی می‌کند.

پشیمانی دور که بی‌مطلب می‌دور شود

می‌کشد از قبح لاله شرابی موسوم

بارها یاد شود کدام اگر این تعلق خاطر نبود، زندگی چگونه می‌گذشت. آن روح آسیب پذیر و عطش سیری
ناپذیر به خصوص در دنیای واپسین زندگی که «قوت رو به ضعف نهاده و ضعف رو به قوت» زندگی تحمل
ناپذیر می‌شد. اکنون در واپسین بخش عمر تعلقی همچون جوانان، حتی فرائر احساس می‌کنم و در جهانی
که معماران ادب و عرفا کشیده ساخته‌اند، سیر می‌کنم و لذت می‌برم. این دیدگاه روز به روز وسیع‌تر،
غنی‌تر، شکوفاتر و پربارتر می‌گردد.

از آغاز چنین بوده و تا پایان چنین خواهد بود. هر زمان حریفی برای گفتن و کاری برای انجام دادن هست،
یک روز رودکی بوی جوی مولیان را می‌شنود و در هر روز فرزانه‌ی طوس حماسه می‌آفریند، سنایی، عطار و
مولوی مسیر عشق عرفانی را ترسیم می‌کنند. بعدی از حیات سخن را بر عرش می‌رسانند، صائب و بیدل
به طریقی دیگر تا برسد به معاصرین که هر کدام به روش خود بر طراوت این بوستان افزوده‌اند و می‌افزایند.

پشیمانی دور که بی‌مطلب می‌دور شود

رید موسوم آن که از طرب چو نرگس است

خدایا توفیق عنایت کن که از دنیای فرودین، خود را برگسیم از دنیای رفیعان معرفت سیر کنیم و لذت حیات
را دریابیم.